

در میان خانواده رازی

دکتر شادان‌فر

کردانیم و به سوی تقارب با خواسته‌های منطقی شما حرکت کنیم. در چنین مسیر مطلوبی زیر فشار خوانندگان ماهنامه تیراژمان نیز اوج میگرفت. با آن «دگردیسی» پیش گفته، ناگریز از «پيله» درآمدیم تا قصد «پرواز» نمائیم. تیراژ پانزده هزارتائی به معنای داشتن طیف گسترده‌ای از مخاطبان بود. به زعم خودمان توانسته بودیم در دل‌های دریایی خوانندگانمان شاید جایگاه کوچکی برای «رازی» پیدا کنیم، هرچه بود به گفته حافظ گفتارمان طنین «قهقهه کبک خرامانی» را یافته بود که.....

«دیدي آن قهقهه کبک خرامان حافظ

که زسرپنجه شاهین قضا غافل بود»
بله..... از «شاهین قضا» غافل بودیم که ناگهان رسید، ساده و مختصر، در قالب یک بخشنامه کوتاه، که به موجب آن حق نداشتیم گشاده دست به توزیع رایگان مطالب علمی میان اهل حرفه پردازیم.

رویکرد نوین اقتصادی اقتضا میکرد که یا خاموشی گزینیم و یا از خوانندگانمان طلب یاری نمائیم. چنین کردیم. جمعی از خوانندگان

رازی که بر غیر نگفتم و نگوئیم

با دوست بگوئیم که او محرم راز است

«حافظ»

شصت و چند شماره را با شما همدم بودیم، از شما و برای شما نوشتیم. در شماره نخست شاید با توجه به عدم شناخت مخاطبانمان خامدست بودیم اما از شماره‌های پنجم و ششم - علیرغم تیراژ محدودمان - کم کم پژواک نوشته‌های خود را در آئینه نامه‌های شما دریافت کردیم، دانستیم که چه میخواهید و دل‌مشغولی حرفه‌ای‌تان چیست، به این باور رسیدیم که اگر بخواهیم برای شما و در طریق حق قلم بزنیم باید مصلحت اندیشی‌ها را به سوئی افکنیم. به شیوه آزمون و خطا کم کم داشتیم به سر منزل مقصود نزدیک می‌شدیم. در نشست‌های شورای تحریریه مطالب هر شماره را به نقد میکشیدیم و کاستی‌های خود را برمی‌شمردیم تا بتوانیم با «دیگرساختن»، آنها را به نقاط قوت بدل

پوستی - عباس: (۱۳۱۴ - قم):



پیر قبیلہ «رازی» استاد دکترپوستی هستند که در سال ۱۳۴۱ از دانشکده پزشکی دانشگاه تهران فارغ التحصیل شدند، ایشان که استاد فارماکولوژی دانشگاه علوم پزشکی تهران میباشند نزدیک به ۳۰ سال از عمر پربرکت خود را صرف آموزش جوانان این مرز و بوم نموده‌اند که بسیاری از آنان پزشکانی سرشناس و یا داروسازانی موفق به حساب می‌آیند، انتشار مقالات علمی عدیده در نشریات معتبر و نیز ایراد سخنرانی در سمینارها و کنفرانسهای بین‌المللی نیز بخشی از فعالیت علمی ایشان را رقم می‌زند.

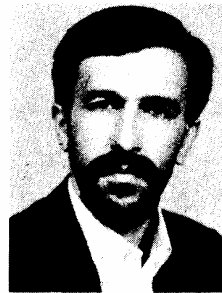
گذشت زمان غباری نقره‌ای برمویهای استاد نشانده که وقتی با وقار علمی ایشان جفت میشود متانتی ویژه را بر کلامشان حاکم میگرداند. آقای دکتر پوستی در نشستهای شورای تحریریه بسیار می‌شنوند و اندک سخن می‌گویند اما همان که میگویند کلام آخر است. ایشان علیرغم پس زمینه پزشکی، لطفی

علاقتمندتر علی‌رغم دشواریهای مالی شخصی، دست رد بر سینه ما نزدند و به یاری مان آمدند. کسانی هم با تأسف و دریغ نوشتند که خلاف خواسته قلبی‌شان به دلیل همان ضرورت اقتصادی ناچارند از «رازی» چشم‌پوشند. بهر حال ماندیم..... هرچند نه به راست قامتی قبل، کمی تکیده، اندکی فروافتاده و با تیراژی محدود... حالا ۶ ماهی می‌شود که با بخشی از آن طیف گسترده مخاطبان سخن می‌گوئیم. بنا داشتیم در آخرین شماره سال قبل و در همان تیراژ وسیع... شما را به جمع پدیدآورندگان «رازی» دعوت کنیم که شاید تابلوی «شام آخر» به ذهن بعضی از اهالی «رازی» متبادر مینمود - بهر حال نشد. مطلب آماده نشد چرا که راستش دل و دماغ این کار را نداشتیم. اما در شرایط جدید و با رسیدن تدریجی درخواستهای اشتراک تلاش کردیم که بدبینی را از خود برانیم... باز داشتیم گردهم می‌آمدیم، پس دعوت قبلی در دستور کار قرار گرفت شورای تحریریه رازی تأیید کرد که برای ویژه نامه شهریور - روز داروساز - شما را با خانواده رازی آشنا گردانیم. پرسشنامه‌ای تهیه و از همکاران خواسته شد به سئوالاتی پاسخ گویند. مطالب فراهم آمده را به صورت مقدمه‌ای چند سطری برای آشنائی با هریک از اعضاء شورای تحریریه و سپس پاره‌ای از پاسخ‌های آنان به سئوالات مطرح شده، ملاحظه خواهید فرمود.

ترتیب معرفی همکاران رازی بصورت الفبائی بوده است:

خاص نسبت به همکاران داروساز داشته
تلاششان همواره معطوف به تألیف قلوب دو
قشر پزشک و داروساز (که نیمه‌های مکمل یک
پیکر هستند) نسبت به یکدیگر بوده است.
مقالات علمی که برای چاپ به دفتر نشریه
تحویل می‌شود نخست مورد بررسی ایشان
قرار می‌گیرد که بعد از مرور، نام داور یا
داورانی را به تناسب موضوع در صفحه اول
سنجاق شده به مقاله رقم می‌زنند. داوران
ضرورتاً و همیشه از میان شورای تحریریه
انتخاب نمی‌شوند. با بازگشت پاسخ داوران
تکلیف مقاله روشن می‌شود: قابل چاپ است،
نیاز به اصلاحات دارد و یا اینکه با توجه به
ضوابط حاکم بر ماهنامه برای درج در نشریه
مناسب نیست. جناب آقای دکترپوستی علاوه
بر مشارکت فعال در انتشار «رازی» عضو
هیأت تحریریه مجله نظام پزشکی و نیز عضو
کمیسیون بررسی نسخ سازمان یاد شده نیز
می‌باشند.

پورغلامی - محمدحسین (۱۳۳۶ - کرمانشاه):



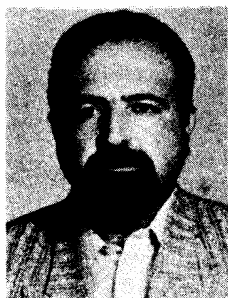
دکتر پورغلامی - همکار دقیق، جدی و

نکته سنج «رازی» در سال ۱۳۶۶ از دانشگاه ولز
انگلستان در رشته فارماکولوژی PhD خود را
دریافت نموده و بلافاصله برای خدمتگزاری
راهی میهن اسلامی می‌شوند، مقدمتاً در
دانشگاه تهران و کمی بعد در گروه
فارماکولوژی دانشگاه علوم پزشکی
شهیدبهبشتی به انجام وظائف آموزشی و نیز
پژوهشی خود می‌پردازند و به سرعت جای خود
را در میان دانشجویان پزشکی و داروسازی
باز میکنند و در عین معلمی، غمخوار آنان
میشوند. این همکار دانشمند «رازی» فوق‌العاده
حساس و جدی و در عین حال مهربان و
متواضع هستند. حجم قابل توجه مقالات
پژوهشی ایشان، دکترپورغلامی را به سرعت
در ردیف جوانترین دانشیاران دانشگاه قرار
می‌دهد. سرپرستی کتابخانه دانشکده پزشکی،
عضویت در شورای پژوهشی دانشکده و نیز
عضویت در هیأت بورد فارماکولوژی کشور
گوشه‌ای از مشغله حرفه‌ای ایشان را نشان
میدهد. «رازی» را عاشقانه دوست دارند و برای
تداوم انتشار آن از هیچ تلاشی فروگذار نمیکنند
جز نوشتن مطالب اجتماعی! که میکوشند تا حد
مقدور از زیر بار نگارش این گونه مطالب شانه
خالی کنند و در صورت ناکزیری آنها را با
امضاء مستعار «دکتر محمد حسینی!» به چاپ
برسانند هرچند که در آن میدان نیز حرفهای
شنیدنی قابل تعمق را همیشه مطرح کرده‌اند.

دکتر شمینی همکار دانشمند - پرکار و

میسازند گاه به اندازه یک سخنرانی بر جمع تأثیر میگذارند. کلامشان در عین جدی بودن معمولاً سرشار از رگه‌های ناب طزن است که شنونده را به تأمل وامیدارد. همدلی، هماهنگی و سازگاری دکتر ثمینی، کار با ایشان را برای اعضاء شورای تحریریه رازی شیرین و دلچسب نموده است.

حائری - علی (۱۳۳۰ - کربلا):



آقای دکتر حائری پس از اخذ مدرک فوق لیسانس داروسازی، در سال ۱۳۶۰ دوره PhD خود را در رشته فارماکولوژی از انگلستان به پایان رسانیده در سال ۱۳۶۱ به ایران باز میگردند و بدو در گروه فارماکولوژی دانشگاه اصفهان فعالیت‌های خود را آغاز میکنند، تدریجاً مسئولیتهای دیگری را نیز متقبل میگردند:

ریاست اداره روابط بین‌الملل، مدیریت گروه فارماکولوژی و بالاخره معاونت پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان. حجم زیاد کارهای اجرائی مانع فعالیت ایشان در زمینه پژوهش نمیشود چرا که حاصل آن به

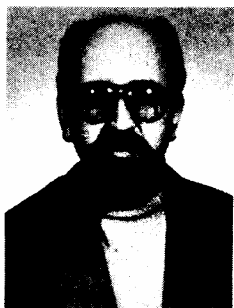
مبتکر رازی هستند و همانگونه که در نمایه سال پنجم ماهنامه آمده است صاحب بالاترین تعداد مقاله میباشند. مسئولیت صفحه پرسش و پاسخ علمی را عهده دارند و نیز طراحی جدول علمی حاصل ذوق و زحمات ایشان است. همکار ارزشمند ما در سال ۱۳۴۹ دکترای داروسازی خود را از تبریز و پس از سالیانی تدریس در همان دانشگاه PhD خود را در رشته

ثمینی - مرتضی (۱۳۲۴ - تبریز):



فارماکولوژی از دانشگاه لندن در سال ۱۹۷۹ اخذ مینمایند. دکتر ثمینی در حال حاضر علاوه بر تدریس فارماکولوژی در دانشگاه تهران در هیأت‌بورد فارماکولوژی کشور و نیز در کمیته کنترل نسخ نظام پزشکی عضویت دارند. تألیف ۶ کتاب فارماکولوژی، ترجمه کتابی در این زمینه و چاپ حدود یکصد مقاله علمی در نشریات علمی داخلی و نیز تعداد سیزده مقاله در مجلات معتبر خارجی نمایانگر بخشی از کارنامه درخشان این همکار ارزنده «رازی» است. دکتر ثمینی کم حرف است و صبور. اما در همان کلام اندکی که در جلسات بر لب جاری

دانشگاه تهران - دانشکده پزشکی - اخذ
مینماید. نوشتن و معلمی را (فارغ از شائبه‌های
مادی) دوست دارد و هردو آنها را نه حرفه که
نوعی «عشق» میانگارد. در کارهای آموزشی و
روشن‌ضمیر - فرشاد (۱۳۲۶ - ملایر):



نیز نوشتن تلاش میکند - به قول خودش - از
دریچه چشم دانشجو و نسل جوان کشور به
آینده و اجتماع نگاه کند هم از این روست که
گهگاه سرمقاله‌هایش طعمی تلخ بر ذائقه ذهن
می‌نشانند، پناه بردن به قالب طنز را نیز مفر
دیگری برای بروز دلشوره‌ها و نگرانی‌هایش
می‌پندارد، چنین مطالبی با اسامی مستعار در
اینجا و آنجا به چاپ میرسد. از اولین شماره
«رازی» علاوه بر ارائه مقالات جدی، در صفحه
«نیشدارو» با امضاء «ف - ر: راوی» پای طنز را
در ماهنامه باز میکند که البته چندین شماره
بیشتر نمی‌پاید. با امضاهای «شادفر» و «دکتر
شادان‌فر» و گهگاه مطالب حرفه‌ای و
اجتماعی را به رشته تحریر میکشد. از شماره
پنجاه تا شماره شصت و پنج مسئولیت تدوین و
تنظیم مطالب سه صفحه: «دیدگاهها»،
«دریچه‌ای به استعدادها» و «رازی و

صورت دهها مقاله علمی ارزنده در نشریات
معتبر و سمینارهای بین‌المللی عرضه میشود.
آقای دکتر حائری از سال ۱۳۶۸ به بخش
فارماکولوژی دانشگاه علوم پزشکی
شهیدبهشتی انتقال و یکسال بعد به معاونت
پژوهشی این دانشگاه برگزیده میشوند. در
سال ۷۰ با حفظ سمت، ریاست دانشکده
پزشکی نیز بر عهده ایشان قرار میگیرد. دکتر
حائری که از هنگام خدمت در اصفهان سابقه
عضویت در شورای تحریریه «مجله پژوهشی
دانشگاه اصفهان» و «مجله دانشکده پزشکی
اصفهان» را داشتند، از شماره اول ماهنامه
«رازی» با آن همگام میشوند.

در حال حاضر ایشان به دلیل عضویت در
هیأت بورد فارماکولوژی کشور، دبیری کمیته
علوم پایه پزشکی، و همچنین قرار گرفتن در
موضع همکار و کارشناس سازمان جهانی
بهداشت (WHO) و نیز ریاست دانشکده
پزشکی، شاید فرصت زیادی برای همکاری با
«رازی» نداشته باشند هرچند پیوستگی و
دلبستگی نامبرده به اهل «رازی» و نیز ماهنامه
به این امیدواری دامن زده که بتوانیم هراز
گاهی صفحات رازی را با مقالات ایشان مزین
نمائیم.

در سال ۱۳۵۰ از دانشکده داروسازی
تهران فارغ‌التحصیل میشود و چند سال بعد به
کسوت دانشگاهی درمیآید. در سالیانی دیرتر
تخصص خود را در رشته فارماکولوژی از

خوانندگان» را عهده‌دار بوده است.

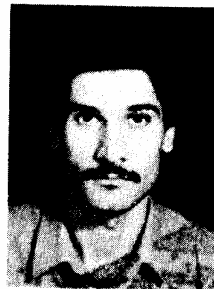
سرکندی - مجتبی (۱۳۴۲) - تهران):



همیشه گوینده حرفهایی شنیدنی و نیز بدیع ایشان هستند. این همکار محترم علاقه خاصی به «تاریخ داروسازی» و «طب سنتی» دارند. وی مسئول صفحه «در بازار کتاب» می‌باشد و زحمت بسیاری از کارهای اجرایی نشریه را به اتفاق دوست جوان دیگرمان آقای دکتر محلاتی عهده‌دار هستند. در نگارش سرمقاله‌ها و نیز مطالب علمی و اجتماعی سلیقه‌ای خاص و ستودنی دارند. از تیرماه سال جاری مسئولیت تهیه و تدوین مطالب صفحات «دیدگاهها» و نیز «دریچه‌ای به استعدادها» را تقبل فرموده‌اند. (یکی از نام‌هایی که ایشان، مقالات اجتماعی خود را با آن امضاء می‌کنند، «محمد فروغی» می‌باشد).

ایشان در سال ۱۳۵۵ از دانشکده داروسازی تهران فارغ‌التحصیل میشوند، ولی به دلیل فعالیتهای سیاسی و محکومیت سیاسی در سالهای ۵۱ و ۵۲، دوسالی را بعنوان سرباز صفر در بیرجند آب خنک می‌خورند! حاصل این

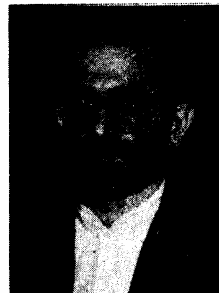
دکتر سرداری در سال ۱۳۷۰ از دانشکده داروسازی تهران فارغ‌التحصیل میشوند هرچند از حدود ۲ سال قبل از آن همکاری ایشان با ماهنامه «رازی» آغاز شده بود. مطالب صفحه گردهمائی‌ها و نیز گشایش صفحه «در محضر استاد» با ابتکار و پایمردی دکتر سرداری صورت تحقق یافت. در اواخر سال ۷۱ دکتر سرداری جهت گذراندن دوره PhD در رشته فیتوشیمی بورسیه شده و به دانشگاه سرداری - سروش (۱۳۴۵ - آبادان):



آلبرتا - کانادا اعزام شدند. گرفتاریهای سنگین تحصیلی مانع ادامه همکاری این یار دیرین «رازی» با نشریه مورد علاقه‌اش نشده و هرآن گاهی چشم مشتاقان به مقاله‌ای از ایشان در «رازی» روشن میشود.

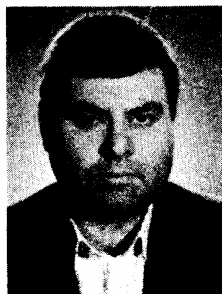
دکتر سرکندی از همکاران جوان و پرتحرک ما هستند. در جلسات شورای تحریریه ماهنامه

دورد یک بیماری قلبی (خوشبختانه کنترل شده) و یک قلم تیز و طنزپرداز است. با روایت همان قلم در شمار اعضای تحریریه «گل آقا» و سیامک‌نژاد - فریدون (۱۳۳۱ - تهران):



بعبارتی اذناپ آبدارخانه شاغلام! قرار میگیرند. در «رازی» هم مدتی با امضای «حکیم باشی» صفحات «نیشتر» را و با امضای «دکتر فریدون آشنا» مطالب اجتماعی را به رشته تحریر میکشند. «نسخه نویسی در یک نگاه» و «رخداد و خبر» در زمان خود از مطالب پربازتاب «رازی» میشوند. علاوه بر اینها تا حدود شماره ۵۰ مسئولیت تهیه و تنظیم مطالب «دریچه‌ای به استعدادها» و «رازی و خوانندگان» را عهده‌دار میشوند. سنگینی کارهای اجرایی (پذیرش مسئولیت شرکت سهامی داروئی کشور) و مدتی حضور دکتر سیامک‌نژاد را در «رازی» کمرنگ میکند اما خوشبختانه ظرف ۶ ماه اخیر با نگارش سلسله مطالب «از حقیقت تا واقعیت» مجدداً این حضور پررنگ و جدی میشود.

مدیر مسئول ماهنامه «رازی» در سال ۱۳۵۵ از دانشکده داروسازی تهران فارغ‌التحصیل میشوند. در سالهای انقلاب و پس از آن به عرصه سیاست پای می‌نهند و با تصدی مشاغلی چون مدیرکل سیاسی وزارت امور خارجه و معاون سیاسی وزارت کشور و ... تا حدی از مسائل حرفه خود فاصله میگیرند. وقتی در آبان ۶۹ به فراخوان ایشان اعضای تحریریه «رازی» کرده‌م می‌آیند کسی نمیتواند باور کند که اصلاً انتشار ماهنامه عملی میشود
صدر - سیدمحمد (۱۳۳۰ - قم):



چرا که مشکلات بسیار است و راه ناهموار، اما با همت و درایت دکتر صدر این بذر از خاک میهن اسلامی سربر میکشد و اندک اندک به درختی تناور بدل میگردد. تلاشهای مدیر مسئول محترم ماهنامه و علاقه ایشان به حاصل کار - رازی - نشریه را به کانونی برای اعتلای حرف پزشکی و خصوصاً داروسازی بدل میسازد.

در چند ماه اخیر که هستی «رازی» مورد تردید قرار گرفت و نبود آن جنبه‌ای جدی پیدا کرد آقای دکتر صدر بیش از سایرین برای

تداوم این کار فرهنگی - که برای آن شأنی والا قائل هستند - تلاش نمودند. دکتر صدر هم مقاله علمی می‌نویسد و هم اجتماعی. اما سرمقاله‌های ایشان خصوصاً در ماههای خرداد و بهمن که یادآور ماههای سرنوشت‌ساز انقلاب است گيرائی منحصر به فردی دارد و حتی خوانندگانی خارج از طیف خوانندگان معمولی «رازی» پیدا میکند چرا که معمولاً نکته‌هایی دست اول و تازه در مورد تاریخ انقلاب در آن مقالات به چشم می‌خورد. دکتر صدر علیرغم مسئولیتهای اجرائی عدیده، بنا بر اعتقادشان، کار در «رازی» و انتشار آنرا نسبت به سایر مسئولیتهایشان سبکتر تلقی نمی‌کنند.

منتصری - علی (۱۳۲۶ - سلما س):



فارغ‌التحصیل دانشکده داروسازی تبریز (۱۳۵۱). آقای دکتر منتصری در سالهای قبل از انقلاب تجربیات مفیدی را بعنوان نماینده علمی، سرپرست و مدیر بازاریابی با حضور در شرکتهای داروئی سرشناس و فعال آن زمان

(روش، آلرگان و سرانجام داروپخش) کسب میکنند، این تجربیات در سالهای بعد از انقلاب و با مطرح شدن «طرح ژنریک» در خدمت پیشبرد این طرح انقلابی قرار میگیرد. «دفتر برنامه‌ریزی و هماهنگی تولید، توزیع و تدارکات داروئی» با دستی خالی ولی همتی والا برای سامان دهی طرح ژنریک توسط ایشان و همکارانشان پی افکنده میشود و در اوج خود به انتشار «آمار نامه داروئی کشور» میانجامد که کاریست بدیع و کارستان. در سالهای بعد دکتر منتصری مسئولیتهای بیشتری را عهده‌دار میشوند که عضویت در هیأت مدیره شرکت سهامی داروئی کشور و قائم مقامی مدیرعامل (سالهای ۶۹-۷۱) از آن جمله است. این همکار ارجمند «رازی» علاوه بر سوابق اجرائی در کارهای فرهنگی نیز سابقه‌ای طولانی دارند، مدتی طولانی عضو هیأت تحریریه نشریه «طب و دارو» و چندسالی نیز سردبیر ماهنامه «دارو و درمان» میشوند و از بدو انتشار «رازی» به این خانواده ملحق میگردند و نگارش مقالات تحلیلی - اقتصادی در زمینه دارو را متقبل میگردند که از مقالات مستند در این زمینه بوده مورد استفاده پژوهشگران قرار میگیرد. دکتر منتصری در حال حاضر علاوه بر اینکه رئیس هیأت مدیره شرکت داروسازی حکیم و ابوریحان هستند، پُستِ مدیریت عامل در شرکت سهامی پخش رازی را نیز برعهده دارند. استقرار ایشان در این مقام با توجه به عنایتی که همواره نسبت به «رازی» داشته‌اند، حضوری مغتنم بوده و تضمین کننده تداوم

انتشار «رازی» تلقی میشود.

دیگر همکار جوان و پرتحرک ماهنامه آقای دکتر محلاتی هستند. شاداب و فعال و سرشار از ایده‌های نو. فارغ‌التحصیل سال ۱۳۷۳ دانشکده داروسازی تهران میباشند و تاکنون مسئولیت تهیه گزارش از واحدهای تولیدی، خاطرات داروخانه (با امضای: دکتر جوان) و اخیراً نیز تهیه و تدوین مطالب صفحه «رازی» و خوانندگان» را به عهده داشته‌اند. روحیه سرزنده و شوخ این همکار جوان مانع از آن هاشم‌بیگ محلاتی - وحید (۱۳۴۸ - تهران):



نیست که نقدهای جدی و پرنکته خود را در جلسات شورای تحریریه مطرح سازد.

..... و سایرین:

نمیتوان سخن از خانواده «رازی» را به پایان برد، بدون اینکه اشاره‌ای به همکاران اداری آن ننمود. کسانی که با پیگیری‌ها، دوندگی‌ها و تلاشهای هر روزه ایشان، ماهنامه در دستان مهربان شما قرار میگیرد. سرکار خانم پارسا، منشی دقیق، مهربان و پرحوصله دفتر علمی را شاید کسانی که به دفتر ماهنامه

فارغ‌التحصیل سال ۱۳۵۸ از دانشکده داروسازی تهران. ایشان مشاغل متعددی را در جهادسازندگی، هلال احمر و انستیتو پاستور تجربه کرده‌اند. فاصله سالهای ۶۸ تا ۷۰ را به ضرورت تحصیلات تکمیلی همسرشان در خارج از ایران به سر برده‌اند، پس از بازگشت به عنوان مسئول فنی شرکت پخش رازی انتخاب و عملاً به جمع شورای تحریریه رازی منتظری - ثریا (۱۳۳۳ - تهران):



پیوستند. خانم دکتر منتظری کار مسئولیت فنی شرکت پخش را با دقت و وسواسی قابل ستایش پی میگیرند و به شدت نگران وضعیت داروهای مرتبط با شرکت رازی و بیماران استفاده کننده از آن داروها میباشند. گردانیدن امور یک خانواده ۵ نفری و رسیدگی به وضعیت تحصیلی ۳ فرزندشان شاید بخش سنگینتر مسئولیت روزمره ایشان را تشکیل بدهد.

سرمیزند یا با آن تماس تلفنی میگیرند تا حدی شناخته باشند. سایر همکاران زحمتکش بخش اداری آقایان خلیلی، سیاحی و نیلی هستند که مسئولیت مراجعه به چاپخانه، دریافت فرمهای اول، دوم و سوم مطالب ماهنامه، تحویل آنها به نویسندگان مطالب جهت بازبینی و تصحیح و ... سرانجام پاکت کردن، الصاق نشانی و تمبر و تحویل نشریات به پستخانه تنها بخشی از تلاشهای این همکاران محترم در ارتباط با «رازی» است.

گفتگو با همکاران شورای تحریریه «رازی»

* پاسخهای خالی نشان دهنده آن است که همکار محترمی به دلایلی نخواستند آن سؤال را پاسخ گویند.

۱- روحیه خودتان را توصیف بفرمائید:
پوستی: (قانع، خیرخواه، زودرنج و رُک)،
ثمینی: (جدی و تا حد امکان صبور)، سرکندی: (گاه شوخ ولی اغلب در خود فرورفته)، صدر: (عاطفی، اصولگرا)، منتصری: (مسئولیت‌پذیر، واقع‌گرا، خوش برخورد)، پورغلامی: (دیگران باید توصیف کنند)، روشن‌ضمیر: (حساس، شوخ طبع)، سیامک‌نژاد: (محلّاتی: (—)، منتظری: (—).

۲- برای شما، نوشتن آسانتر است یا سخن گفتن:
پوستی: (نوشتن)، پورغلامی: (هیچکدام، اگر

قرار باشد کلام درست و منطقی باشد)، ثمینی: (زیاد با هم تفاوتی ندارند)، روشن‌ضمیر: (اگر به گفته فاکنر، نوشتن، عرق‌ریزی روح باشد، سخن درست گفتن عرق‌ریزی جسم و روح است)، سرکندی: (نوشتن صادقانه‌تر است)، سیامک‌نژاد: (اینکه میشود مثنوی هفتاد من کاغذ، چطور با دو سه کلمه تمامش کنم!!)، صدر: (سخن گفتن را آسانتر یافته‌ام)، محلّاتی: (سخن گفتن)، منتظری: (نوشتن)، منتصری: (البته که حرافی، ولی سخنی که قبلاً بر آن تعمق نشده باشد و به تصویر درنیامده باشد، اعتبار کافی نخواهد داشت).

۳- واقعاً «علم» را بهتر میدانید یا «ثروت»؟!
پوستی: (هر دو، لازم و ملزوم یکدیگر هستند)، پورغلامی: (—)، ثمینی: (گاه شک می‌کنم که «علم» بهتر از «ثروت» باشد)، روشن‌ضمیر: («علم اقتصاد»؟!)، سرکندی: (علم)، سیامک‌نژاد: («علم» همراه با «ثروت» بهترتر!! است)، صدر: (علم)، محلّاتی: (میخواهم بگویم «ثروت» ولی نمیدانم چرا یک نفر در اعماق وجودم هنوز فکر میکند یا دوست دارد که بگوید «علم»)، منتصری: (ما که از «علم» به «ثروت» نرسیدیم، باید دید که آیا از «ثروت» میشود به «علم» دست یافت؟)، منتظری: (اگر با هم باشند ایده‌آل است ولی به هر حال «علم» را ترجیح میدهم).

۴- سرگرمی اوقات فراغت؟
پوستی: (مطالعه، پیاده‌روی، باغبانی)، پورغلامی: (تقریباً اوقات فراغت ندارم)، ثمینی: (مطالعه، گوش دادن به موسیقی).

روشن‌ضمیر: (مطالعه، نوشتن)، سرکندی: (مطالعه، نوشتن و خط زدن)، سیامک‌نژاد: (اوقات فراغتم آنقدر اندک است که ترجیح میدهم بخوابم!)، صدر: (مطالعه، ورزش، تماشای تلویزیون، سینما)، محلاتی: (مطالعه، گفتگو با دوستان و گاهی هم سینما)، منتصری: (مطالعه، سر و کله زدن با بچه‌هایم)، منتظری: (رسیدگی به امورات منزل و وضعیت تحصیلی بچه‌ها، تماشای تلویزیون).

۵- دلتان میخواست شبانه‌روز، عوض ۲۴ ساعت، چند ساعت بود؟ پوستی: (همین ۲۴ ساعت خوب است)، پورغلامی: (حدود ۱۲۰ ساعت!!)، ثمینی: (همین ۲۴ ساعت که ۱۸ ساعت آن صرف کار میشود و ۶ ساعت هم برای استراحت کافی است)، روشن‌ضمیر: (روزها ۲۰ ساعت و شبها ۴ ساعت!!)، سرکندی: (۴۸ ساعت، من همیشه وقت کم می‌آورم)، سیامک‌نژاد: (۲۴ ساعت، چون اگر برنامه‌ریزی مناسبی در کار باشد، میشود به همه امور رسید)، صدر: (—)، محلاتی: (۳۶ ساعت! چون میتوانستم یک شیفت دیگر هم کار کنم!!)، منتصری: (۳۶ ساعت، بلکه میتوانستم زودتر از مقررات دست و پاگیر اداری - در حیطه کارم - رها شوم)، منتظری: (همان ۲۴ ساعت).

۶- پزشک یا داروساز آرمانی شما بایستی واحد چه صفاتی باشد: پوستی: (رازدار، مهربان، خوش‌برخورد، همدل با بیماران، قانع و پرهیزگار)،

پورغلامی: (نوع‌دوست، در تلاشی پیوسته برای ارائه خدمات بهتر به بیماران، پیگیر کسب دانش و بکارگیری آن در حرفه خود)، ثمینی: (از نظر علمی روز آمد، از نظر اخلاقی دل‌رحم)، روشن‌ضمیر: (مسلط بر حرفه، مسئولیت‌شناس، صبور، دلسوخته و کم‌توجه به مداخل حرفه‌ای)، سرکندی: (آگاه، دلسوز، صدیق، هوشمند)، سیامک‌نژاد: (مؤمن به خدا، معتقد به مردم، حافظ حرمت حرفه از طریق ارائه صحیح خدمات به مردم)، صدر: (عالم، آگاه، خوش‌برخورد، با تحمل، نگران حال بیمار)، محلاتی: (همیشه خودش را جای بیمارش فرض کند و به شرافت حرفه‌اش پای‌بند باشد)، منتصری: (واجد صفات برزویه طبیب، مفتخر بودن به حرفه خود)، منتظری: (اعتقاد داشتن به ارزشهای الهی، عشق داشتن به انسانها).

۷- نگرانی فارغ‌التحصیلان جوان را موجه میدانید؟ چرا؟

پوستی: (بله، مشکلات اقتصادی و عدم تأمین مادی آنها را به شدت آزار میدهد)، پورغلامی: (بله، چون ظاهراً برنامه مشخصی برای آینده آنان در نظر گرفته نشده است)، ثمینی: (بله، چرا که عرضه نیروی انسانی متخصص به تناسب توان جذب آنها نیست، بسا نیروهای توانا و کارآمد که فرصت بروز توانایی‌های خود را نمی‌یابند)، روشن‌ضمیر: (بله، بنظر میرسد که برای کاستن از فشار متراکم در پشت سد کنکور، بخشی از آن نیروها به آن سوی سد جابجا شده‌اند، بی‌اینکه تمهیدی برای اشتغال مناسب آنان اندیشیده شده باشد)، سرکندی: (بله، خودم یکی از آنها

هستم)، سیامک‌نژاد: (—)، صدر: (خیر، زیرا هنوز مملکت از این فارغ‌التحصیلان اشباع نشده است)، محلاتی: (—)، منتصری: (من نگرانی فارغ‌التحصیلان قدیمی را هم موجه میدانم، کثرت فارغ‌التحصیلان آینده آنها را در ابهام فرو برده است)، منتظری: (بله، آنها نمیتوانند حرفه‌ای متناسب با رشته تحصیلی خود را پیدا کنند).

۸- توصیه شما به جوانها چیست؟

پوستی: (—)، پورغلامی: (بردبار باشند و سخت‌کوش)، ثمینی: (بی‌علاقگی و بی‌تفاوتی را کنار بگذارند، صرفاً به قبولی در امتحان فکر نکنند و بکوشند تا در حرفه‌ای که برمیگزینند سطح دانش خود را ارتقاء دهند)، روشن‌ضمیر: (در پیگیری اهدافشان به قدر میانسالان صبور و به اندازه بچه‌ها سمج باشند، ضمناً یادشان بماند که به قدر جوانها نیز در محدوده‌های مجاز و مناسب «جوانی» هم بکنند، با این کار میتوانند ذائقه ذهنشان را شیرین نگه‌دارند)، سرکندی: (—)، سیامک‌نژاد: (—)، صدر: (علم و ایمانشان را بالا ببرند)، محلاتی: (—)، منتصری: (در بعضی موارد این جوانها هستند که باید به ما نصیحت و توصیه بکنند)، منتظری: (مقاوم باشند و کارشان را با عشق و علاقه انجام دهند و از بی‌تفاوتی بپرهیزند)

۹- کمبودهای ماهنامه «رازی» را ذکر بفرمائید: پوستی: (خلاصه‌ای از مقالات علمی جدید در مورد داروها)، پورغلامی: (عدم طرح مشکلات جاری و جدی بهداشتی کشور)، ثمینی: (کندی در ایجاد تنوع در ماهنامه و طرح عناوین جدید)، روشن‌ضمیر: (بازتاب نیافتن مشکلات

و خواسته‌های جدی دانشجویان و اهل حرفه در آن)، سرکندی: (لطفاً دنبال قطع نان!! ما نباشید)، سیامک‌نژاد: (فقدان مصاحبه با صاحب‌نظران امر دارو - درمانی کشور و معرفی مشاهیر پزشکی و داروسازی کشور)، صدر: (عدم درج تحقیقات اجتماعی میدانی در زمینه‌های دارویی و پزشکی)، محلاتی: (عدم درج اخبار داروسازی کشور، نپرداختن به مسائل حرفه‌ای داروسازان، نداشتن صفحات ویژه بازآموزی از راه دور)، منتصری: (—)، منتظری: (—).

۱۰- خودکارتان را (به عنوان وسیله نوشتن) با چه چیزی حاضرید عوض کنید؟

پوستی: (—)، پورغلامی: (مداد!!)، ثمینی: (فکر نمی‌کنم کسی حاضر به تعویض کالایش با قلم ما باشد)، روشن‌ضمیر: (یک ماشین‌تحریر! البته مشروط به آنکه مقادیری هم کاغذ سر بدهند)، سرکندی: (با دست گرفتن خودکار، «غمخوار» شدم، پس هنگامی آنرا تعویض می‌کنم که «غمی» برای خوردن نمانده باشد)، سیامک‌نژاد: (چون حرفه‌ای نیستم حاضرم آنرا با خودنویس!! عوض کنم)، صدر: (فکر نمی‌کنم هیچ قلم به دستی به این سؤال پاسخ صریح بدهد)، محلاتی: (خودکار را بهتر است با خودنویس آنهم از نوع طلایی و مرغوبش عوض کرد)، منتصری: (با سکه بهار آزادی، چرا که در آن هم بهار است و هم آزادی بعلاوه با آن میتوان صدها خودکار تازه خرید!!)، منتظری: (با زبان اعتراض علیه هرچه ناحق است و بوی ظلم و زور از آن می‌آید). □